



فرز فرد و جامعه ایرانی در نگاهی جامعه‌شناسانه به ادبیات ایران مدرن ۱۳۹۴-۲۳۲۲ (بخش دوم)

بی‌هویتی و پوچی در نسل رو به تباهی

۱) ادبیات گریز-باز یا بی‌مقوله‌های چون
عراقی، ۲) ادبیات پوچی-بوع نما؛
۳) ادبیات شورسوز یا بی‌مقوله‌های
سرمه‌پوش، ۴) غزل‌گویی در
استمبول و ماهیچه با ساخت نمایشی
۵) آثار نثری
۶) پرتوگرایی / ادبیات هرزمارگار: ۷)



ساعدی عموغانی را کفایت هرزمارگار ندانم! از ماضیان
آثار که کفای و کفایت جامعه است و ادبیات پوچی را
در نزد دل دارد، به روزی اشاره می‌شود تا تصویری
ملموس تر از دوزان تاریخی مورد بحث به دست دهد:
پوسیدگی و مرگ آدم‌های تک‌بعدی، شکست و
سلب است. که بیشتر علمای روز آن ذکر شد- نسبت به
محمود و روابط بی‌حاشیه و دل‌نشین آدم‌ها و بی‌شکلی
که «شکست‌ناپذیر» و ترمیم جامعه‌ی بی‌مدر، عدم درک آدم‌ها
از یکدیگر و عدم موسیقی - که علت آن نیز بیشتر ذکر
شد- سرگرمی، تصویر جهان پر از فریب و پوچی،
خوشگویی و خوشگویی بی‌هدف، هدف‌های پوچ و
پراثر، تنهایی و سردی و خردگی اجتماعی و انسان مطرود
در «شکست‌ناپذیر» حرص ملق فرزندمانی دمانی
ورونی و بی‌کفایتی فردی، شرایط مظلوم‌طلب اجتماعی
زنان در «گلستان» برادران، به شرق‌باغ اجتماعی ای که در
این زمان به دلیل فاصله طبقاتی ایجاد شده در مشکلات
فرزانی مطرود است و در واقع فرزند پوچی را مشکلات
جلوه شهری است، یعنی زندگی کارمندان دول پایه،



زهرا رامیان
نویسنده و مترجم
رشته ادبیات فارسی

تجولات سیاسی و اجتماعی ای که خود را سر خوردگی
و بی‌اش اعتماد و روشنفکران را در پی نداشت،
از مهم‌ترین آثار این سرخوردگی و وامیسی، بروز
احساس پوچی و بی‌هویتی همگانی بود که در آثار
داستانی روشنفکران پوسیدنه به گونه ادبیات بی‌حاشیه
ظاهر گشت. بد نیست گفت که ادبیات پوچی،
زندگی است که از هیچ آغاز می‌شود و به هیچ می‌انجامد
و بی‌معنی و بی‌هدف شرایط هستی و زندگی بی‌هدف
تأکید دارد. اما حاصل گرگونی‌های غلطی بود
که از گرگونی‌های اجتنامی، اقتصادی و فلسفی اشکات
می‌گرفت. ظهور اگزیستانسیالیسم، حسین انشا که
انسان موجودی تهیست و به طریقی خستیار در جهانی
بی‌گناه و تهیها وارد شده است. جهان شریف قافله هر گونه
ارزش، حقیقت از معنای انسانی است، زندگی ناسی
تأکید دارد. اما از هیچ آغاز می‌شود و به هیچ می‌انجامد
و بی‌معنی و بی‌هدف شرایط هستی و زندگی بی‌هدف
تأکید دارد. اما حاصل گرگونی‌های غلطی بود
که از گرگونی‌های اجتنامی، اقتصادی و فلسفی اشکات
می‌گرفت. ظهور اگزیستانسیالیسم، حسین انشا که
انسان موجودی تهیست و به طریقی خستیار در جهانی
بی‌گناه و تهیها وارد شده است. جهان شریف قافله هر گونه
ارزش، حقیقت از معنای انسانی است، زندگی ناسی



بهرام شادان



سنگری و سکره‌های خالی



سنگری و سکره‌های خالی

بی‌بانه، محافظه‌کارانه دربرند دلخوشی‌های توخالی با
روحیه تسلیم در برابر هجوم شرایط خدشگری و بی‌بهره
در کل در این دوره به دلیل کم‌هویتی و بی‌جانگی خود
به جنون و مرگ می‌رسند! اما علاوه بر مرگ در چند
مورد از آثار این دوره، هنوز شخصیت‌ها مطرح می‌شود
که به لحاظ روانشناسی اجتماعی درخور توجه است. از
کتابی که ادبیات پوچی را به خوبی نمایان می‌سازد
ذکر صفات ذریه در واقع نمایش شهری است که در آن
ارزنهاه خدشگر در دروغ زایل شده است. این در آثار
در آثار رالیستی، رالیستی اجتماعی، ناتورالیستی،
سرمه‌پوشی، ادبیات بی‌مقوله‌های اجتماعی و حتی واقعیت‌مندی
اجتماعی دیده می‌شود که بر واقعیت‌های اجتماعی
وارونه و وضع وارونه است که در آن زمان‌های بشری
دانشان‌های علم تبدیل شده است! در آثار بی‌مدر گونه این
زنان شخصیت‌های دیده می‌شوند که به دلیل شکست
امال و اهداف خود و محدودیت‌های اجتماعی و فقر و...
به خندار می‌شود چون جنگ بی‌هدف، بی‌هدف و بی‌هدف
می‌شوند. این خندار می‌شود چون غریز جزی آن نمی‌باشد که این
واکنش‌گریز به نهار در شخصیت‌ها نشان در میان
روشنفکران و روشنفکران دیده می‌شود، مانند باوایر
آنژ سرگ که به دلیل افسان در نام ادبیات‌خان خود را
در دست می‌دهد. پس بازاری روشنی از جامعه به بی‌هویتی
دست می‌دهد. حال، این چیزی غیر از هرگز شدن
جماعت و یکدستی آن است که در مطور ابتدایی این

نگاه منتقد

انجام اعمال خردمندانه غافل شده و در واقع خواهان صلح
با درون خود نیست و این با همان از خودبیگانگی انسان
و اصالتی نیست؟ او یا حتی از گم‌گشتگی سلیبی عقلی
نیست که به خود پیشین می‌افکند و نه آینده‌ای را
پیش روی می‌بیند؟ جامعه زنان و مردان را چه می‌شود
که به چنین حالتی می‌رسند؟ و نویسنده به چه اندرازی
می‌رسد که با نظر به سرشت این اثر ادبی، به جنسیت و
غنی‌انسان اهانت کرده، علاوه بر تنوع بی‌هویتی خود در
کل بی‌انسان می‌پردازد؟ در پس خلق این آثار هرزمارگار
و واکنش نهفته است: آقا! واکنش خود نویسنده در
انتخاب زار که در واقع پاسخ او به ابهام زارانه است (ب
واکنش خواننده که در واقع پاسخ خواننده به متن است
و این هجیان مقطعی مخاطب در جستجوی گریز
از واقعیات زنجیر زندگی است. زیرا یکی از کارگردهای
این زار ایجاد تحریکات جنسی است که در درون خود به
محافظ ادبی تجلی کارگر ادبی مینوی. بر بیگانه‌گی
است که در زبان گشتن هیجانات خواننده و ازای
مقطعی کابینا‌نگی جنسی ظاهر می‌شود.

با توجه به رایسه نگاه به زن این بررسی نیز به نهن
خطوری می‌کند که آیا این تصویر، ترسیم کامل زن آن
دور است؟ یا همچنان زنده بودن، دست‌نظر ظاهر چنین
نیست و اشکال باطل است؟ اگر بگوییم نویسنده به‌طور
جامع و کامل، کل زندگی، با جنسی کل زندگی زار
معینی، «زبان می‌کند» اما در کنار بیشتر آثار که
واقعیت زن جامعه را چنین توصیف می‌کنند نمونه‌ای را
میرعایدینی معرفی می‌کند که فراغ نگاه‌های بی‌مدر گونه،
توصیف ایرانی آن زمان است. شخصیت او آختم در
شهره اوج‌ها به محموله‌های غفالی که زن ایرانی را
معمولاً خوار می‌یاری، حقوقی هاشان را زده است. سوزنی
است و شغل زن موجود تصویر می‌شود که در این لحاظ
شکست نشان می‌دهد. اما به نظر می‌آید که این
تکثیر و تکرار، در این مورد نیز، از آن جهت است که در
گزار آن بیان خواننده در مسائل و در کل جسم خواننده
در زمان در خور اهمیت است. زیرا از نامزدی از اوضاع
سیاسی اجتماعی حاوی است.

از دیگر واکنش‌های نویسنده این دوره طنزپردازی
است و بیشتر از هدف و مقاصد سیاسی می‌رسد. «اصلاح
شرایط موجود» و رساندن آن به «شرایط مطلوب»
نوعی است. اما در بیان دیگر در آن «اصولاً مقاصد
اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است. اما طنز وسیله
است به هدف» و «اصولاً برای انتقاد از وضع
جامعه با ظاهری که خنده ابر می‌گیرد و باطنی که به
تفکر وامی دارد و از آن نمود طنز و سیاهی است که در
آثار بهرام صادقی دیده می‌شود. در آن خنده‌ای که رخ
می‌دهد فی الواقع خنده‌ای از سر دراست نه خنده‌ای که
سرخوش طبعی و شادی خنده‌ای است که بر او هر که در
آن اتفاقی نیفتاده است. خنده‌ای است که در این طنز
دیگری می‌در این مورد دیده می‌شود. طنز صریح و بی
کینه سرگرمی دارد و به لحاظ نیز از آن شرط وجود
می‌توان آن را در ادبیات گریز پند.

یکی دیگر از نشانه‌های ادبیات بی‌مدر گونه به منجر به
تولید پرتوگرایی یا به شکل ساده‌تر ادبیات هرزمارگار
لحاظ معنایی و از منظر است. می‌شود بیان تمایلات
بی‌مدر گونه جنسی در آثار این دوره است که گاه در آن،
ناتورالیسم هم دیده می‌شود و با نثر جبر موجود در آن،
عناصری از مسائل جبر غیر جنسی مطرح می‌شود.
مانند «کتابت بر حرمی» در «مطالب جنسی» که در گزارش
راه‌های گریز شخصیت‌های داستانی و روشنفکران
این دوره احساس است که از نقطه نظر نگاه به زنان
ناتورالیست است. اما جامعه و روشنفکران این زمان در
رسانه‌های همگانی جهت‌دار و بی‌سکین از ادبیات هرز
جنسی و هویش‌های تروی می‌آوردند تا آن‌جا که به
عشق‌های متنوع هم می‌آیند، همان همدان فارسی

اقتراح

در باره طرح پیشنهادی وزیر آموزش و پرورش برای پیاده‌سازی معلمان رتبه‌بندی، شدنی است یا نه؟

طرح نو آنها به پرداخت بر اساس نظام هماهنگ فکری می‌کنند و وزیر می‌گوید با رتبه‌بندی
مشکلاتشان حل می‌شود. معلمان به وضع یلانگیا استفاده‌اشان مشکلات باز نماندگی شان،
بیمه و حقوق‌شان را در گاهی مطرح می‌شود و بعد به فراموشی سپرده می‌شود. مسئولان می‌گویند
حقوق آنها با سایر ادارات دولتی هماهنگ است اما به دلیل نبود زیربای جانی و امتیازات دیگر هنوز
در یافتن‌شان با کارکنان دیگر دولت فاصله دارد از طرفی آموزش و پرورش همیشه کمبود بودجه
مواجهه بود که هم به رفیقت کار آن بود و هم بدنه آموزش‌تأثیر نگار است. سوال همیشه این بوده که
معلمان به چه نیوانده‌های این کار زندگی خود چرخاند، چطور باید با نهاد آموزش و پرورش در کنار هم
حاضر شود؟ پیشنهادهایی برای حل‌شدن مشکلات معلمان، رتبه‌بندی است که حقوق‌شان اصلاح
می‌کند. طرح نو به‌سواپول این که این راه‌حل تا چه اندازه عملی و کار است، سراغ دبیر کل کانون صنفی
معلمان، یک‌کعضو کمسیون آموزش مجلس وزیر سابق آموزش و پرورش رفته است.

طرحی برای قشری معدود

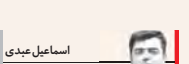
گفت که در برخی سازمان‌ها با بودجه‌هایی
هرزیه می‌شود که نباید بشود. ۲۶ میلیارد
کشور وجود دارد که کار هرنگی می‌کند
اما عالیشان اصولی نیست، بودجه همه‌جا
صرف مسائل بااهمیستی چون آموزش و پرورش
و بهداشت می‌شود. با هر نوع روشی باید با متعادل کرد
است اما این بودجه را در اختیار معلمان قرار
معلمان هم خود را با سایر کشته‌ها مقایسه
می‌کنند. حتی با همسایه‌ها و هم‌پیمانان
وضع بسیار خوبی دارند و این وضع برای
غیر قابل قبول می‌شود. در حال حاضر معلول
توانایی این اندازد تا وضع معیشت معلولان
را بهبود بخشد و از این‌ها خیرترین مدرسه‌ساز
و نسیساری از خانواده‌ها که به مدرسه کمک
می‌کنند و توانمندی‌ها را بشود. معلمان شونده‌ها
آموزش و پرورش هزینه‌هایی که کار تا حدی
مرغف کند از طرفی می‌توان فکری به ساختن
مسکن فرهنگیان کرد. وزارت مسکن، بنیاد
نیست اما پاسخ‌های می‌دهند. این است که
تغییر ادب در خود، هوا، همایلیه‌ها توانم
هرزیه دارد که دولت از بسس آن نرمنی بد
معلمان هم می‌خواهند مشکلات حل‌شدن
در دین حقوقی سایر کارکنان رتبه‌بندی
قرار بگیرد. در خصوص کمبود بودجه هم باید
تجربه‌کنند.



سید کاظم اکرمی
وزیر سابق آموزش و پرورش

اختلاف طبقاتی معلمان و سایر کارکنان باید از میان برود

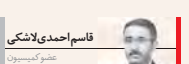
هنوز بی‌معنی هستند. تبدیل وضعیت کنند.
اما دولت می‌گوید چون رفیق استعدادی را
پیشتر کرده‌اند، نمی‌توانیم تبدیل وضعیت
شان کنیم. وقتی معیشت و معیشت با این‌ها
اجرای دولت در تقابل قرار بگیرد، اولین قوی
است و معیشت و معیشت حق این است که تبدیل
وضعیت شود. دیگری وضع بدیست اما به آن
بهای رتبه‌بندی باید به آن برساند. یک
فرهنگی که به سنتین باز نماندگی تبدیل
شود، دولت می‌کند. دولت می‌کند. دولت می‌کند.
وزارت بهداشت که سال ۲۰۰۰ طرح معیشتی
زندان و حقوق‌ها را براند. طرح رتبه‌بندی
با آن رتبه‌بندی که توسط آقای جابجایی و
تیمشان تدوین شد، متفاوت است و در این
شرایط می‌خواهد افکار عمومی را به طریقی
مشغول کند، که قابلیت اجرایی ندارد. بعد از
این که قانون اجرا کردند باید این طرح اجرا
شود. حقوق معلمان و معیشت معیشتی
که توسط دولت تعیین به شکل آزاد و بدون
هیچ‌کس چنانچه بر سرش نیست، دست‌نهادند. بعد
آموزش و پرورش برمی‌گردد در غیر این صورت
مسئله رتبه‌بندی فرار به جلوات است.



اسماعیل عیدی
مدیر کل کانون معلمان

طرحی که سوالات زیادی را مطرح کرده است

در باره مسأله رتبه‌بندی معلمان و پیشنهاد
وزیر علوم به‌راحتی نمی‌توان اظهار نظر کرد
چرا که این طرح بصورت کلی مطرح شده و
عموماً این جزئیات هستند که نشان می‌دهد
معلمان به چه نیوانده‌های این کار زندگی خود
چرخاند، چطور باید با نهاد آموزش و پرورش در کنار هم
حاضر شود؟ پیشنهادهایی برای حل‌شدن مشکلات معلمان، رتبه‌بندی است که حقوق‌شان اصلاح
می‌کند. طرح نو به‌سواپول این که این راه‌حل تا چه اندازه عملی و کار است، سراغ دبیر کل کانون صنفی
معلمان، یک‌کعضو کمسیون آموزش مجلس وزیر سابق آموزش و پرورش رفته است.



قاسم احمدی لانگی
عضو کمسیون آموزش و پرورش

عشق مکرر مردی به زن خود را می‌پردازد. برخلاف همه
پیش، زن به شکل فاحشه و حتی خلق تصویر می‌کند.
در کل در این دوره به دلیل کم‌هویتی و بی‌جانگی خود
به جنون و مرگ می‌رسند! اما علاوه بر مرگ در چند
مورد از آثار این دوره، هنوز شخصیت‌ها مطرح می‌شود
که به لحاظ روانشناسی اجتماعی درخور توجه است. از
کتابی که ادبیات پوچی را به خوبی نمایان می‌سازد
ذکر صفات ذریه در واقع نمایش شهری است که در آن
ارزنهاه خدشگر در دروغ زایل شده است. این در آثار
در آثار رالیستی، رالیستی اجتماعی، ناتورالیستی،
سرمه‌پوشی، ادبیات بی‌مقوله‌های اجتماعی و حتی واقعیت‌مندی
اجتماعی دیده می‌شود که بر واقعیت‌های اجتماعی
وارونه و وضع وارونه است که در آن زمان‌های بشری
دانشان‌های علم تبدیل شده است! در آثار بی‌مدر گونه این
زنان شخصیت‌های دیده می‌شوند که به دلیل شکست
امال و اهداف خود و محدودیت‌های اجتماعی و فقر و...
به خندار می‌شود چون جنگ بی‌هدف، بی‌هدف و بی‌هدف
می‌شوند. این خندار می‌شود چون غریز جزی آن نمی‌باشد که این
واکنش‌گریز به نهار در شخصیت‌ها نشان در میان
روشنفکران و روشنفکران دیده می‌شود، مانند باوایر
آنژ سرگ که به دلیل افسان در نام ادبیات‌خان خود را
در دست می‌دهد. پس بازاری روشنی از جامعه به بی‌هویتی
دست می‌دهد. حال، این چیزی غیر از هرگز شدن
جماعت و یکدستی آن است که در مطور ابتدایی این

عشق مکرر مردی به زن خود را می‌پردازد. برخلاف همه
پیش، زن به شکل فاحشه و حتی خلق تصویر می‌کند.
در کل در این دوره به دلیل کم‌هویتی و بی‌جانگی خود
به جنون و مرگ می‌رسند! اما علاوه بر مرگ در چند
مورد از آثار این دوره، هنوز شخصیت‌ها مطرح می‌شود
که به لحاظ روانشناسی اجتماعی درخور توجه است. از
کتابی که ادبیات پوچی را به خوبی نمایان می‌سازد
ذکر صفات ذریه در واقع نمایش شهری است که در آن
ارزنهاه خدشگر در دروغ زایل شده است. این در آثار
در آثار رالیستی، رالیستی اجتماعی، ناتورالیستی،
سرمه‌پوشی، ادبیات بی‌مقوله‌های اجتماعی و حتی واقعیت‌مندی
اجتماعی دیده می‌شود که بر واقعیت‌های اجتماعی
وارونه و وضع وارونه است که در آن زمان‌های بشری
دانشان‌های علم تبدیل شده است! در آثار بی‌مدر گونه این
زنان شخصیت‌های دیده می‌شوند که به دلیل شکست
امال و اهداف خود و محدودیت‌های اجتماعی و فقر و...
به خندار می‌شود چون جنگ بی‌هدف، بی‌هدف و بی‌هدف
می‌شوند. این خندار می‌شود چون غریز جزی آن نمی‌باشد که این
واکنش‌گریز به نهار در شخصیت‌ها نشان در میان
روشنفکران و روشنفکران دیده می‌شود، مانند باوایر
آنژ سرگ که به دلیل افسان در نام ادبیات‌خان خود را
در دست می‌دهد. پس بازاری روشنی از جامعه به بی‌هویتی
دست می‌دهد. حال، این چیزی غیر از هرگز شدن
جماعت و یکدستی آن است که در مطور ابتدایی این